



جامعة جدة
JGU



مَدِيْنَةُ

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شماره ۴ / جمعہ ۲۵ اسفند ۱۴۰۲

سطر چهارم

برتری همیشگی مؤمنین

جزء ۴

وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آل عمران، آیه ۱۳۹

- حسرت دیروز و ناامیدی نسبت به فردا را چه می‌کنی؟
- دلیل عدم موفقیت‌ها را چه می‌دانی؟



* وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
 السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُفْقُونَ فِي
 الْبَرِّ وَالْبَرِّ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ
 النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
 فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ
 وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّةٌ
 تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ
 ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ
 كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ
 لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِنْ يَمَسَّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ
 مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمُ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾



مغفرتكم



قرآنت تحقیق



«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا» نه درباره آینده نگران و ناامید باشید و نه برای گذشته حسرت‌زده و ناراحت، «وَأَنْتُمْ أَلْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» چراکه شما همیشه برتر و پیروزید؛ به شرطی که مؤمن واقعی باشید. [چون سنت قطعی این است که اگر به خدا اعتماد داشته باشید و طبق دستورات او عمل کنید، هیچ‌کس نمی‌تواند شما را شکست دهد و خدا نیز این اعتمادتان را ضایع نمی‌کند. اما اگر سست شوید یا ایمانتان ضعیف شود، لزوماً برتر نخواهید بود و با شکست خوردن، ناراحتی و ناامیدی‌تان بیشتر می‌شود. پس در هیچ حالتی نمی‌توان به دلیل سستی و خستگی و به امید راحتی مقطعی بیشتر، دست از استقامت در مسیر خدا برداشت.]





آدمِ بزرگ، پایین هم بنشیند، از همان جا چای را توزیع می‌کنند! این یعنی آدم‌ها هستند که به جا، جایگاه می‌بخشند. یعنی اگر پایین باشند، پایین، بالاست و اگر در بالا نباشند، بالا، پایین است. و تو گویی این آدم‌ها هستند که بالا و پایین‌ها را، بالا و پایین می‌کند.

و ایمان عین همان بزرگ است. با هر که باشد، بزرگ، و هر کجا باشد، بالاست و با هر که نباشد، کوچک و هر کجا نباشد، پایین است. به همین خاطر خداوند به شکست‌خوردگان جنگ اُحد که به ظاهر پیروز نبودند و به ظاهر پایین می‌نمودند می‌گوید: ﴿وَأَنْتُمْ أَلْأَعْلَوْنَ﴾ شما بالابید، اگر اهل ایمان باشید. یعنی اگر اهل ایمان باشید، پایین هم باشید بالابید، و اگر نباشید، بالا هم باشید پایینید. پس کسی که بویی از ایمان برده باشد و از اهالی ایمان باشد، نباید سستی کند ﴿وَلَا تَهِنُوا﴾ چون از سازی که تارهای سستی داشته باشد، نوا و نغمهٔ خوشی به گوش نمی‌رسد. و آن چیزی که ساز وجود آدمی را کوک می‌کند، ایمان است. کسی که بوی ایمان با خود دارد، نباید کمترین حزن، اندوه و نگرانی به خود راه دهد ﴿وَلَا تَحْزَنُوا﴾ غمین و محزون نباشید.

غصه در آن دل بود کز هوس او تهیست

غم همه آنجا رود، کان بت عیار نیست





قرآن تمام آن چیزهایی که عناصر و عوامل سازندهٔ سعادت و خوشبختی محسوب می‌شوند، این‌ها و ده‌ها چیز غیر از این‌ها را به آدم‌های باایمان نوید می‌دهد.^۱

اینکه در مواجهه با دشمن‌ها و دشمنی‌ها از نصرت و مدد خدا برخوردار گردد، این هم یک شرط دیگر سعادت، خوشبختی و کامیابی است. البته مادی به خدا معتقد نیست؛ اما ما با مادی اسم خدا نمی‌آوریم؛ می‌گوییم آقا شما در این تلاش مادی‌تان، در این تلاش اجتماعی‌تان، در این جهادتان که دارید انجام می‌دهید، اگر بدانید یک نیرویی فرضاً ماورای نیروی ماده و طبیعت هست و آن نیرو با شما همراه است، این چطور است؟ یک چنین چیزی داشته باشید شما، یک چنان کمک و یاور و مددکاری برای خود فرض کنید، این چطور است؟ می‌بینید برق از چشمش می‌پرد، می‌گوید بسیار خوب است. چقدر جالب است که انسان نیرویی ماورای نیروی ماده و مادیات، پشتیبان خود داشته باشد که وقتی با دشمن‌ها و دشمنی‌هایشان، توطئه‌هایشان، دسیسه‌هایشان، جلادی‌هایشان روبه‌رو می‌شود، معتقد باشد و بداند که آن نیروی ماورای ماده، کمک‌کار و حامی اوست. منتها مادی اسم خدا را بلد نیست، اعتقاد به خدا ندارد، اگرچه یقین هم

۱. طرح کلی اندیشهٔ اسلامی در قرآن، جلسهٔ ۶، ص ۱۷۵.



به نبودن خدا ندارد. اما الهی که یقین دارد به وجود آن چنان قدرت مسلط و مصیطری، ماورای تمام این پدیده‌ها و متکی به اوست، ببینید چقدر در راه سعادت تندروتر و جالب‌تر حرکت می‌کند. و اینکه بر جبهه‌ها و صف‌های مخالف برتری و رجحان داشته باشد، بداند که بالاخره برتری و رجحان و ارجحیت برای اوست. این هم خودش تأثیر عجیبی دارد در اینکه بتواند انسان، این راه را با سهولت بیشتری طی کند و اینکه بر دشمنان راه و هدفش که مانع و خنثی‌کنندهٔ تلاش اویند، پیروز گردد. آدم همهٔ این تلاش‌ها را بکند، بعد هم شکست بخورد؟! اینکه به سعادت نمی‌رسد پس یکی از مهم‌ترین عناصر سعادت‌مندی یک انسان این است که آخرش پیروز بشود. غیر از این است مگر؟ مگر مکتب‌های دنیا برای پیروزی نمی‌کوبند؟ پس یکی از عناصر و عوامل سعادت انسانی، فردی، اجتماعی و گروهی، این است که در مواجهه با دشمن‌ها، بالاخره بر آن‌ها پیروز بشود.^۱

